

The Role of Time and Place in the Evolution of Issues and Change in the Jurisprudential Rules of Khums with Emphasis on the Opinion of Imam Khomeini

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Jafar Eghlimi¹
Zabihullah Motahari Khah^{2*}
Marzieh Pilehvar³

How to cite this article

Jafar Eghlimi, Zabihullah Motahari Khah, Marzieh Pilehvar, The Role of Time and Place in the Evolution of Issues and Change in the Jurisprudential Rules of Khums with Emphasis on the Opinion of Imam Khomeini, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2022:6(3); 131-139

1. PhD student, Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Department, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Toisarkan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran (Corresponding Author).

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

* Correspondence:

Address:
Phone:
Email: zabihmotaharikhah@email.com

Article History

Received: 2022/09/06
Accepted: 2022/12/14

ABSTRACT

According to the popular Shiite view, khums is a right that God has imposed on people's property in favor of Bani Hashim, but Imam Khomeini believes that: Khums is a single property and has a single owner; It is the owner of God Almighty. The meaning of time and place is considered by some requirements of time and place, which means that the real needs change over time and every human need is a kind of demand. Human thoughts and actions, and changes and historical and natural events are influenced by political (internal and external), social and economic relations, and affect the subjects and examples and inference of jurisprudential rules. Shari'a rulings in a general division can be divided into three categories: "primary rulings", "secondary rulings" and "government rulings" that time and place play a role in all three categories, especially the third category, the effect of time and place in many It is one of the obvious and tangible sciences. This meaning is so clear in the experimental and human sciences that it does not need to be explained or allegorized. Even time and place play an important role in some non-theoretical divine sciences, such as practical mysticism. Khums is one of the rulings that can be said that the conditions of time and place in his belongings, especially in its consumption, has a great impact.

Keywords: Khums, Time and Place, Influence and Rulings

نقش زمان و مکان در تحول موضوعات و تغییر احکام

فقهی خمس با تاکید بر نظر امام خمینی (ره)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۳
* نویسنده مسئول: zabihmotaharikhah@email.com

مقدمه

خمس در لغت و اصطلاح

«خمس» در لغت به معنای یک پنجم است
ابن منظور می گوید: "خمس" و "خمسه" عددی است که
برای مؤنث و مذکر به کار می رود (۱)

صاحب کتاب العین می گوید: "خمس" واحدی از خمس است؛ یعنی
یک پنجم؛ (۲)

و در اصطلاح فقه، نیز به همین معنای لغوی با اضافه قیودی، است.
فقهها برای خمس دو تعریف که ناشی از دو دیدگاه متفاوت است
نموده اند در اینجا برای نمونه، تعریفی از هر یک از دو دیدگاه را
ذکر می کنیم:

دیدگاه اول: صاحب جواهر (ره) خمس را اینگونه تعریف می کند:
«هو حق مالی فرضه الله مالک الملک بالاصالة علی عباده فی مال
مخصوص له و لبني هاشم الذین هم رؤساهم و سواسهم و اهل الفضل
و الاحسان علیهم عوض اکرامه ایاهم بمنع الصدقة و الاوساخ
عنهم...» (۳)

خمس حق مالی است که پروردگار هستی بخش بر بندگانش در مال
مخصوصی به نفع خود و بنی هاشم وضع کرده است، اولاد هاشمی
که پیشوایان مردمند و دارای برتری و احسان هستند. کرامت و
بزرگواری آنها سبب شده است که به جای صدقه و زکات، خمس
دریافت کنند

مرحوم آیه الله میلانی، تعریف فوق را چنین خلاصه کرده است:
«الخمس حق مالی یناله بنو هاشم بالاصالة عوض الزکاة» (۴)

یعنی: خمس حقی است مالی که به بنی هاشم بالاصالة (نه به واسطه
نذر و غیره) و در عوض زکات (که از آن محروم شده اند) می رسد.
صاحب مستند می نویسد: «و هو فی الاصطلاح حق مالی ثبت لبني
هاشم بالاصل» (۵) خمس در اصطلاح فقهی حق مالی است که برای
فرزندان هاشم بالاصاله - نه به واسطه نذر و غیره - ثابت شده است.
نقطه مشترک همه این تعاریف که بر دیدگاه مشهور فقهای شیعه
مبتنی می باشد این است: خمس حقی است که خداوند به نفع بنی
هاشم بر اموال مردم وضع کرده است. این دیدگاه که علت اصلی
تشریح خمس را برتری قومی و خانوادگی بنی هاشم می شمارند؛ بدین
معنا که کرامت و فضیلت ائمه (ع) و بازماندگان هاشم باعث شده
است که خداوند ۲۰ درصد اموال مردم را به آنها اختصاص دهد.

دیدگاه دوم: شیخ فیاض الدین زنجانی، خمس را حق وحدانی می داند.
ایشان خمس را اینچنین تعریف می کند: «الخمس حق مالی اماري
محدود برابح الکسور» (۶)

یعنی: خمس، یک حق مالی و اماري است که محدود به چهارمین
کسر (یعنی یک پنجم) می باشد.

پس از دیدگاه ایشان خمس یکی از انواع مالیات های اسلامی است
که شیعیان بدان معتقدند و به منظور رفع مشکلات مالی امت
اسلامی و توزیع عادلانه ثروت و تقویت بنیه مالی حکومت اسلامی
در جهت رفع نیازهای امت اسلامی وضع شده است.

جعفر اقلیمی^۱

دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد همدان،
دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

ذبیح الله مطهری خواه^۲

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد توپسرکان، دانشگاه
آزاد اسلامی، همدان، ایران (نویسنده مسئول).

مرضیه پیله ور^۳

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد همدان، دانشگاه
آزاد اسلامی، همدان، ایران.

چکیده

از دیدگاه مشهور شیعه خمس حقی است که خداوند به نفع بنی هاشم
بر اموال مردم وضع کرده است اما امام خمینی بر این باورند که:
خمس ملک واحد و دارای مالک واحد است؛ آن مالک پروردگار
متعالی می باشد. مراد از زمان و مکان را برخی مقتضیات زمان و
مکان می دانند به معنای این که احتیاجات واقعی در طول زمان
تغییر می کند و هر احتیاجی که بشر دارد یک نوع تقاضا می کند
امام برخی شرایطی می دانند که از مجموعه تفکرات و اعمال انسان
و تغییرات و وقایع تاریخی و طبیعی تحت تاثیر روابط سیاسی (داخلی
و خارجی) و اجتماعی و اقتصادی، حاصل می شود و بر موضوعات
و مصادیق و استنباط احکام فقهی تاثیر می گذارد. احکام شرعی در
یک تقسیم بندی کلی می توانند به سه دسته: «احکام اولیه»، و
«احکام ثانویه» و «احکام حکومتی» تقسیم گردند که زمان و مکان
در هر سه قسم خصوصا قسم سوم نقش دارد تأثیر زمان و مکان در
بسیاری از علوم مشهود و ملموس است، این معنی در علوم تجربی و
انسانی آن قدر روشن است که برای بیان آن نیازی به توضیح و تمثیل
نیست. حتی زمان و مکان در برخی از علوم الهی غیرنظری، مانند
عرفان عملی نقش به سزایی دارد. خمس از احکامی است که می
توان گفت شرائط زمان و مکان در متعلقات او خصوصا در مصرفش
تأثیر بسزایی دارد در این نوشتار با روش کتابخانه ای نقش زمان و
مکان در خمس با هدف انطباق فقه با زمان حال بررسی شده است

کلید واژه: خمس، زمان و مکان، تأثیرگذاری و احکام

این فقها سعی دارند تا جنبه های عقلایی، اجتماعی و انسانی خمس را مهمتر نشان دهند و اهدافی چون تأمین اجتماعی، آموزش و بهداشت عمومی، برقراری ثبات سیاسی، امنیت، ... و خدمات عمومی را در تشریح خمس دخیل معرفی کنند. بیان دیگر بگویند تحقق عدالت که مهمترین هدف حکومت اسلامی است به ابزارهای مالی نیاز دارد که مناسبترین و فراگیرترین آنها خمس است.

امام خمینی (س) در این رابطه چنین می گوید:

«بالجملة من تدبر فی مفاد الایة و روایات یظهر له ان الخمس بجمیع سهامه من بیت المال و الوالی ولی التصرف فیه و نظره متبع بحسب المصالح الامة حسب ما یری» (۷)

خلاصه هر کس در معنای آیه و روایات دقت کند، در می یابد که جمیع سهم های خمس از بیت المال و از درآمدهای دولتی محسوب می شود و حاکم حق تصرف در آن را دارد. نظر و تشخیص او بر مصالح جامعه گریزناپذیر است.

از دیدگاه امام خمینی به خمس به عنوان مالیات در اختیار حاکم اسلامی قرار می گیرد و حکومت بر مبنای مصالح اجتماعی، نحوه توزیع و هزینه سازی آن را تعیین می کند. در این راستا، کلیه نیازمندان از جمله گروههای سه گانه متذکر در آیه ۴۱ از سوره انفال می بایستی تأمین شوند.

زمان و مکان

زمان مکان در معانی متعددی بکار رفته که به برخی از آنها اشاره می شود:

اول- زمان و مکان لغوی:

زمان به معنای "وقت" است چه کوتاه یا بلند باشد و مکان به معنای "موضع و محل" (المنجد)

دوم- زمان و مکان فلسفی:

بیشتر فلاسفه زمان را امری واقعی می دانند که عبارت است از مقدار حرکت ولی برخی از فلاسفه قدیم یونان (مثل زنون) حرکت را امری موهوم دانستند (۹)

در نزد فلاسفه مسلمان، بویژه متأخرین، زمان امری حقیقی است و حتی آن را بعد چهارم ماده می دانند.

مرحوم علامه طباطبایی (ره) می گوید:

"المكان هو الذي یصح ان ینتقل الجسم عنه والیه و... مکان چیزی است که جسم از آن یا به سوی آن می رود. (۱۰) در جایی دیگر:

"الزمان موجود و ماهیته انه مقدار متصل غیر قار عارض للحركة و زمان موجود است و ماهیتش عبارت است از اندازه به هم پیوسته و غیر ثابتی که بر حرکت عارض می شود". این معنا از زمان و مکان در مباحث فقهی کاربرد چندانی ندارد.

سوم- زمان و مکان عرفی:

در نظر مردم، زمان همان وقت است که با واحد ساعت و دقیقه و ثانیه اندازه گیری می شود. و این همان مقدار حرکت زمین است که در هر کشور به نوع خاصی زمان بندی می شود و سال و ماه به خصوصی (شمسی - قمری - میلادی...) دارند. و مکان عبارت است از موقعیت قرار گرفتن هر چیز در روی زمین و لذا مکان شهرها

امام خمینی بر این باورند که: خمس ملک واحد و دارای مالک واحد است؛ آن مالک پروردگار متعال می باشد. امام خمینی مالکیت خداوند را به معنای مالکیت در تصرف و ولایت او می شمارد. از آنجا که پیامبر (ص) و بعد از وفات او ائمه جانشین خدا در زمین هستند، این ولایت برای آنها نیز وجود دارد و این مالکیت جعلی به خاطر منصب امامت و حکومت است. خمس ملک شخصی پیامبر (ص) و امام نیست و اگر چنین بودی، بعد از وفات به خانواده اش به ارث می رسید. (۷)

حاکم و رهبر جامعه همانند هر مسئولی، برای انجام وظایف خود نیاز به ابزار کار دارد. مالیات به عنوان ابزار اجرای عدالت، توزیع مجدد درآمد و تأمین اهداف اقتصادی و اجتماعی در اختیار حکومت اسلامی گذاشته شده است. بر این اساس، تأمین زندگی متوسط و آبرومندان برای تمام شهروندان بویژه نیازمندان، بی سرپرستان و گرفتاران بلیه طبیعی و راه ماندگان دیار غریب، از وظایف دولت است. طبق این تحلیل، تیمان، بینوایان و راه ماندگان را نمی توان هم ردیف خدا، پیامبر و امام دانست و آنها را مالکان خمس خواند. این دسته از نیازمندان را چه از نسل هاشم بدانیم و چه فقرا را در آنها به عنوان شاخص در نظر بگیریم نه قومیت را، در هر صورت مالک خمس نیستند تنها به عنوان مورد مصرف قابل استدلال است. امام خمینی در این رابطه می فرماید:

«اما فی سهم السادة فلانه لا شبهة فی انهم مصرف له، لا انهم مالکون لجمیع السهام الثلاثة، ضرورة ان الفقر شرط فی اخذه» (۷)

در مورد سهم سادات، تردیدی وجود ندارد در اینکه سادات از مورد مصرف خمس است نه اینکه آنها مالک جمیع سهام سه گانه باشند، زیرا شرط دریافت خمس فقر است.

آیت الله منتظری که از شاگردان امام است بعد تعریف لغوی خمس می فرماید: و هذا هما یؤید ما سنذکره من کون الخمس حق الامارة و کونه حقاً و حدائياً تحت اختیار الحاکم (۸)

این تعریف لغوی خمس آنچه را که بیان خواهیم کرد تأیید می کند که خمس حق اماری و حق واحدی است آن که در اختیار رهبری جامعه قرار دارد. به نظر این فقها خمس و انفال ملک اشخاص نیست، بلکه به حکومت حق و منصب امامت تعلق دارد که طی دوران مختلف بر پیامبر و امامان شیعه منطبق بوده است. و البته اداره زندگی شخصی و خانوادگی پیامبر از مهم ترین مصالح مسلمین و از جمله مصارف خمس است. در روایات نیز شواهدی مبنی بر این که خمس ملک عنوان است نه اشخاص وجود دارد (۸) همچنین عناوین سه گانه تیمان، مساکین و ابن سبیل که در آیه خمس آمده است، مصادیقی از مصارف خمس هستند و به معنای این نیست که خمس ملک و متعلق به آنهاست؛ چرا که رسیدگی به امور آنها از وظایف حکومت است. یکی از دلایل این موضوع، وجود «لام» ملکیت و اختصاص برای عناوین سه گانه اول آیه خمس است که برای عناوین سه گانه دوم تکرار نشده است و اساساً خمس یک حق مالی یکپارچه و غیرقابل تقسیم است که اولاً و بالذات به خداوند تعلق دارد و سپس به پیامبر و امامان معصوم از جهت حکومت و امامت. (۸)

این معنا از زمان و مکان شامل شرایط حاصل از پیشرفت علوم دینی (درون حوزوی) و انسانی و تجربی می شود، همان گونه که شامل رشد فکر بشری و پیشرفت عمومی فرهنگ جهانی و تغییرات دیدگاهها و اعمال و رفتار و عادات انسان می شود. و این همان معنایی است که مراد حضرت امام (ره) بوده و بر موضوعات و احکام و استنباط آنها تاثیر می گذارد.

برای مثال به این قسمت از سخنان ایشان توجه فرمایید: زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند...، بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است واقعا موضوع جدیدی شده است که قهرا حکم جدیدی می طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد (۱۲)

در جایی دیگر، امام خمینی (ره) می فرمایند: "مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که بر اساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه ریزی کند که وحدت رویه و عمل ضروری است و همین جاست که اجتهاد مصطلح در حوزه ها کافی نیست و همین معناست که از آن تحت عنوان "تمدن جدید" یاد می کنند. و در همین جاست که حضرت امام خمینی (ره) گاهی از تغییر موضوعات فقهی و گاهی از توسعه و توضیح آنها سخن می گویند.

زمان و مکان به معنای اخیر است که گاهی بر مصادیق و موضوعات و احکام فقهی تاثیر می گذارد و آنها را در معرض تغییر قرار می دهد.

حاصل اینکه مراد از زمان و مکان، مفهوم لغوی آن و همینطور معنای فلسفی آن - که شدیداً در تحقق آن بین فلاسفه اختلاف است و نزاع وجود دارد - نیست، بلکه شرایط و خصوصیات و ارتباطات جدیدی است که در اثر مرور زمان و تغییر مکانها بر افراد و جامعه حاکم می شود. همچنین مراد برداشت های مختلفی است که فقیه در اثر ارتباط با علوم جدید بشری از ادله و منابع فقهی درمی یابد. نکته: گاهی زمان، شرط وجوب بوده است، (مانند: حلول ماه مبارک رمضان برای وجوب روزه و دخول وقت برای وجوب نماز)، گاهی شرط واجب، (مانند: حلول ماه ذی حجه برای انجام فریضه حج)، گاهی شرط «موضوع» و زمانی نیز قید آن. «مکان» نیز نقش مشابهی را در فقه داشته و دارد؛ اما این نوع دخالت زمان و مکان در فقه و احکام شرعی، نه از سوی کسی انکار شده است و نه در بیان فقیهان آگاهی که در تکاپوی بیان تحولات بایسته در روش اجتهاد قلم زده اند، مراد بوده است. زمان و مکان بدین معنا عنصری در عرض دیگر قیود، شروط و مقومات موضوع است و نقش جداگانه ای ندارد؛ مثلاً برای وجوب نماز بر مکلف، شرایط متعددی لازم است؛ مانند بلوغ، عقل، امکان تحصیل طهارت و ... همچنانکه یکی دیگر از این قیود، داخل شدن وقت یا بقای حیات مکلف در زمان داخل شدن وقت است.

احکام اقسام آن

احکام، مجموعه ای از مجعولات شرعی است که برای موضوعات مختلف اعم از عمل مکلف و غیره قرار داده شده است. یعنی، موضوع

روستاها را بر اساس تقسیمات طبیعی جغرافیای قاره ها و دریاها قرار می دهند. و در روی نقشه ها جایگاه آنها را مشخص می کنند. چهارم- زمان و مکان به معنای تمدن جدید:

تحولات گوناگون زندگی بشری که در زمان و مکان اتفاق می افتد؛ یعنی تمدن جدید انبوهی از تحولات زندگی بشر را به همراه دارد، گرچه آن چیزی که برای ماملوس است و ارتباط مستقیم با ما پیدا می کند، مسائل مادی و معیشتی این تمدن است. در تمدن جدید، فقط ابزارهای زندگی فرق نکرده است؛ برای مثال، اگر کسی بخواهد مفهوم درستی از توسعه اقتصادی یا مفهوم درستی از زندگی یک جامعه طبق قانون اساسی مکتوب، که هر دو از تحولات عمده در تمدن جدید است. داشته باشد، نمی تواند تنها به ابزارهای مادی فکر کند. پس واقعیاتی به نام تحولات گوناگون زندگی بشری وجود دارد که باید بدان واقعیات توجه کرد و تامل کرد که چه مقدار از تحولات زندگی و تمدن را می توان پذیرفت و چه مقدار را نپذیرفت (۱۱).

لذا امام خمینی (ره) در نامه ای که به یکی از فضلاء قم نوشتند، فرمودند: "اگر شما فلان نظر را بدهید، معنایش این است که تمدن جدید را نمی پذیرید در حالی که باید تمدن جدید را بپذیریم (۱۳)" تاثیر تمدن جدید به معنای مذکور، در تشخیص موضوعات جدید و نیز در استنباط احکام، قابل انکار نیست.

پنجم- زمان و مکان به معنای مقتضیات زمان و مکان:

استاد شهید مطهری، سه معنا برای آن، مطرح می کنند:

الف- مقتضیات زمان بدین معنا است که در هر زمان پدیده هایی به وجود آمده است که باید از آنها تبعیت کرد؛ پدیده های هر قرن مستلزم آن است که خود را با آن تطبیق دهیم.

ب- مقتضیات زمان به معنای تقاضای مردم هر زمان و پسند آنان است، که در هر زمان ذوق و سلیقه مردم متفاوت است. (مثل مد لباس و کفش و ...). پس ببینیم اکثریت چه می گویند و تابع آنها شویم.

ج- مقتضیات به معنای این که احتیاجات واقعی در طول زمان تغییر می کند و هر احتیاجی که بشر دارد یک نوع تقاضا می کند. ابزار و وسایل تکامل یافته و در هر عصری فرق می کند، احتیاج به مسکن، کشاورزی، خیاطی، حمل و نقل، آموختن، وسایل فنی و ... متفاوت می شود که انسان اجباراً باید به دنبال آنها برود... و اسلام جلوی احتیاجات واقعی را نمی گیرد، بلکه جلوی هوس را می گیرد. جلوی فیلم خوب را نمی گیرد بلکه جلوی فیلمهای فاسد را می گیرد. (۱۳) که معنای سوم را می پذیرند.

ششم- زمان و مکان به معنای مجموعه شرایط حاصل از روابط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی:

شرایطی را که از مجموعه تفکرات و اعمال انسان و تغییرات و وقایع تاریخی و طبیعی تحت تاثیر روابط سیاسی (داخلی و خارجی) و اجتماعی و اقتصادی، حاصل می شود و بر موضوعات و مصادیق و استنباط احکام فقهی تاثیر می گذارد، با عنوان "زمان و مکان" می خوانیم که بیشتر معانی قبلی را شامل می شود و علاوه بر آنها بر روی روابط و کنش و واکنشهای عناصر تشکیل دهنده زمان تاکید می کند.

توانند دارای مصالح متنوعی باشند؛ چنانچه زمانها و ادوار مختلف نیز می‌توانند در بردارنده مصالح جدیدی نسبت به قبل باشند. بر این اساس، زمان و مکان، به معنای مصالح متفاوتی که در این دو ظرف پدید می‌آیند، می‌توانند در حکم حکومتی تاثیر بگذارند.

پس قسم دیگری از احکام که بسیار مهم است و فقهای شیعه در مورد آن کم بحث کرده‌اند و اساساً به آن عنایت کمی شده است، احکام اجتماعی است، احکام اجتماعی؛ یعنی احکامی که موضوع آن جامعه است؛ مثل احکام مربوط به جنگ، صلح، بهداشت، فرهنگ، آموزش و پرورش و امور دیگری که شارع مقدس در این موضوعات احکامی دارد و بسیاری از احکام فردی مانند خمس و زکات در ارتباط با اجتماع می‌باشد و در جعل آنها هم زمان و مکان و بطور کلی اوضاع و شرایط دخالت بسزائی دارد، موضوع این نوع احکام تابع زمان و مکان، شروط و ظروف مختلف است.

نکته ۱: تاثیر زمان و مکان در احکام ثانویه نیز پرواضح است چرا که موضوع احکام ثانویه (مانند عسر - حرج، نسیان و ...) ارتباط تنگاتنگی با حالات مکلف و مکلفان دارد لذا ممکن است در زمان و مکان خاصی خوردن گوشت گربه و ... مباح شود و در غیر از آن شرایط حکم اولی حرکت محکم باشد.

نکته ۲: همچنان که در موضوعات احکام خصوصی هم احياناً زمان و مکان تاثیر دارد؛ یعنی اگر این شروط و ظروفی که امروز وجود دارد، ثابت باشد حکم ثابت است و اگر عوض شود، خوب قهراً موضوع هم عوض می‌شود و در نتیجه حکم تغییر می‌کند؛ یعنی ممکن است چیزی که در گذشته حکمی داشته؛ مثلاً اباحه، امروز حرام شود یا حکم کراهت بر آن بار شود و شاید در آینده مستحب یا واجب شود. علت تغییر احکام این است که ویژگیها، شروط و قیود موضوعات این احکام در آنها تاثیر داشته، با توجه به اجتماع آن روز و خصوصیات موجود آن زمان، احکام هم موجود بوده، اما با دگرگون شدن اجتماع، خصوصیات موضوع حکم هم دچار تغییر شده و در نتیجه حکم هم عوض می‌شود. فرض بفرمایید یک وقت پوشش یا آرایشی عنوان تشبه به قومی را داشته لذا به این عنوان حرام بوده است، اما اکنون که این عنوان از بین رفته و یا عنوان تشبه به قوم دیگری پیدا شده، قهراً موضوع عوض شده و بالتببع حکم هم عوض می‌شود. همینطور در موارد عناوینی از قبیل عقد، قمار، نقاشی، مجسمه سازی، موسیقی ربا و غیره. بنابراین حکم ابتداً تغییر نمی‌کند بلکه با تغییر قیود و شروط، موضوع عوض می‌شود. و بالتبع حکم هم عوض می‌شود.

نکته ۳: حکم اولی خود بر دو قسم است: خصوصی و عمومی موضوع احکام اولیه ذوات مکلفین با عناوین خاصه آنان است موضوع احکام خصوصی همان موضوع است از این جهت که فرد یا موضوعی است خاص. اما موضوع احکام عمومی موضوع مذکور است. از این جهت که جامعه ای را بوجود آورده است. احکام خصوصی تابع مصالح خصوصی افراد است و احکام عمومی تابع مصالح جامعه از این روی ممکن است احکام عمومی که همان احکام حکومتی است سریعاً در زمانها یا مکانهای مختلف عوض شود. یک وقت مصلحت جامعه اقتضاء جنگ می‌کند یک وقت

همه مسائل فقهی بطور مستقیم عمل مکلف نیست؛ بیان دیگر فقط عمل مکلف نیست که موضوع مسائل فقهی قرار می‌گیرد بلکه علاوه بر اینکه ممکن است موضوع مسأله فقهی عمل مکلف باشد مانند وجوب نماز و حلیت بیع، ممکن است خود مکلف یا چیزهایی دیگر نیز موضوع مسأله فقهی باشد مانند زوجیت زوج و زوجه، طهارت اشیائی مثل آب و خاک و نجاست اشیائی مانند خون و بول. بنابراین موضوع فقه تنها عمل مکلف نیست ممکن است موضوع علاوه بر فعل مکلف، انسان و یا اشیاء دیگر نیز باشد. احکام شرعی در یک تقسیم بندی کلی می‌توانند به سه دسته: «احکام اولیه»

و «احکام ثانویه» و «احکام حکومتی» تقسیم گردند. البته بعضی از فقیهان احکام حکومتی را از مصادیق حکم ثانوی و یا محدود به آن و بعضی آن را از مصادیق احکام اولی دانسته‌اند. به نظر می‌رسد گرچه حکم حکومتی، دارای وجوه اشتراکی با احکام اولیه و ثانویه است، اما به جهت داشتن بعضی از وجوه افتراق، از آن به قسم سوم از احکام تعبیر کنیم، درست تر است.

وجه تمایز حکم حکومتی با احکام اولی در آن است که موضوع حکم اولی، بما هو هو، دارای حکم شرعی ثابت و دایمی است که در صورت نبودن معارض و تحقق موضوع، حکم آن دایمی است. در نتیجه، زمان و مکان به مفهوم کنایی خود در این احکام اولی اثری ندارد. در مقابل، احکام حکومتی به احکامی اطلاق می‌شود که حاکم شرع (پیامبر، امام و یا ولی فقیه) بر اساس مصالح عموم جامعه در عرصه های مختلف اجتماعی جعل می‌کند. این احکام گرچه مقید به ضرورت و اضطرار نیستند، اما مقید به مصلحت اند؛ لذا هنگام مزاحمت با حکم اولی، در صورت وجود مصلحت بر احکام اولی مقدمند.

حضرت امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید:

«حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است در موقعی که آن قرار داد مخالف مصالح کشور اسلام باشد یک جانبه لغو کند، و می‌تواند از هر امری اعم از عبادی و غیر عبادی، که جریان آن مخالف، مصالح اسلام است (مادامی که چنین است)، جلوگیری کند. حکومت می‌تواند از حج که از فرایض مهم الهی است در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست موقتاً جلوگیری کند» (۱۴)

همچنین حکم حکومتی با حکم ثانوی در اینکه هیچ یک بر موضوع ثابتی عارض نمی‌شود مشترکند لذا در احکام و فرایض الهی، که بر عناوین ذاتی اشیا و افعال ثابت شده از آنها اثری به چشم نمی‌خورد؛ اما احکام ثانوی مقید به تحقق یکی از عناوین احکام ثانویه است؛ (مانند ضرر، اضطرار، اکراه، حرج و ...) ولی احکام حکومتی به چیزی جز مصلحت مقید نیستند، گرچه امکان دارد عناوین ثانویه نیز در بعضی احکام حکومتی موجود باشند.

با توضیح مختصری که درباره احکام سه گانه داده شد، پرواضح است که ملاک جعل و قرارداد احکام حکومتی، چیزی جز مصلحت عامه نیست و روشن است که با تحول در روابط، مناسبات، تکنولوژی و ... ، مصالح عامه دستخوش تغییر می‌گردد (۱۰) مکانهای مختلف (روستا یا شهر، سردسیر یا گرمسیر و ...) می‌

معنوی یک عارف دارد. لازم بذکر است که عنصر زمان و مکان در علوم نظری حقیقی، راهی ندارد. مثلاً در علم فلسفه و ریاضیات که مبتنی بر قواعد عقلی هستند، تغییر شرایط و خصوصیات در ظرف زمان و مکان رخ می‌دهد تأثیری ندارد، البته اینکه مرور زمان و مکان سبب پیدایش فرمول‌های جدید و به دست آوردن راه حل‌های جدید خواهد شد، قابل انکار نیست و می‌تواند برخی از قواعد هندسی که مبتنی بر برخی از امور خارجی مانند کرویت و عدم کرویت زمین است تغییر دهد، اما نمی‌تواند تغییری در قواعد ریاضی و هندسی مبتنی بر یک مبانی عقلی و منطقی به وجود آورد. به عبارت دیگر برخی از اموری که ارتباط تنگاتنگ با علوم اعتباری دارند، نظیر عرف و مناسبات عرفیه و شرایط زمان و مکان در این علوم نظری هیچ نقشی ندارند. بنابراین می‌توانیم به عنوان یک قاعده کلی بیان کنیم که جمیع علوم اعتباری مانند فقه، متأثر از این عنصر مهم است اما تأثیر این عنصر در علوم حقیقی بسیار ناچیز است.

نکته: با این که علم فقه مانند علوم اعتباری دیگر دارای ملاک‌های مشخص از نظر علمی است و همانند سایر علوم دارای موضوع و مبادی و مسائل مشخصی است، چرا برخی فقها تأثیر عنصر زمان و مکان را نمی‌پذیرند و تأثیر آن را بعید می‌دانند در حالی که در علوم تجربی هیچ‌گونه استنکار و استبعاد وجود ندارد؟ آیا وجود یک منبع استدلالی ثابت و متقن مانند قرآن شریف به همراه روایات، نقطه افتراق بین علم فقه و سایر علوم است؟ آیا وجود پاره‌ای از قواعد و احکام تبعیدی سبب این امر است؟ آیا عدم احاطه کلی به ملاکات احکام شرعیه موجب این افتراق است؟

۵- تأثیر زمان و مکان در خمس از دیدگاه امام خمینی (ره)
خمس از احکامی است که می‌توان گفت شرائط زمان و مکان در متعلقات او خصوصاً در مصرفش تأثیر بسزائی دارد توضیح: یکی از مباحث خمس، چگونگی حکم خمس در زمان غیبت امام معصوم است. نظر مشهور فقهای معاصر آن است که سهم امام در زمان غیبت در مواردی مصرف شود که مرجع تقلید علم یا ظن معتبر دارد که اگر امام معصوم ظاهر باشد، آن را در همان موارد به کار می‌برد، همچون تقویت اسلام و حوزه‌های علمیه، تبلیغ اسلام، بنای مساجد در موارد لزوم، امور کتابخانه‌ها و مدارس، رسیدگی به مستمندان و به عبارتی همه امور خیر به ترتیب اولویت و اهمیت دینی آنها (۵) در گذشته، اقوال غیرمشهوری نیز درباره خمس وجود داشته است؛ مانند ساقط شدن خمس، (۱۵) و وجوب کنار گذاشتن سهم امام (۱۶)

و وجوب دفن خمس نراقی، مستند الشیعه فی احکام اشریعه، ج ۱۰، ص ۱۲۸ درباره سهم سادات در زمان غیبت نیز مشهور فقها قائل به وجوب پرداخت سهم آنان هستند؛ اما تعداد کمی نیز قائل به مباح بودن خمس برای شیعیان و ساقط شدن وجوب آن هستند. این قول را در اصطلاح قول به تحلیل خمس می‌نامند.

از دیگر آراء غیر مشهور فقهای شیعه درباره سهم سادات در زمان غیبت می‌توان به قول به وجوب دفن خمس تا زمان ظهور امام (ع) و نیز وجوب حفظ خمس و وصیت کردن به نگهداری آن اشاره کرد

اقتضا، صلح یک وقت اقتضا کند همه مردم با سواد باشند؛ یک وقت چنین اقتضا را نداشته باشد. شرایط مختلفی که برای اجتماع در زمانهای مختلف به وجود می‌آید در این احکام تأثیر دارد. اما در حکم اولی خصوصی تأثیر آن بیشتر در اختلاف و در تغییر موضوعات است. بنابراین، اگر موضوعات همیشه یکسان باشند، حکم هم عوض نمی‌شود.

احکام عمومی که تابع مصالح جامعه است ممکن و مکان و زمانهای مختلف است در شروط و ظروف مختلف تغییر کند اما در احکام خصوصی غالباً موضوع تغییر می‌کند مثلاً مسأله محاسن که بر فرض جعل مطلوبیت برای آن، از احکام خصوصی است و مبنای آن چه بسا عرف اجتماعی مسلمین در آن ازمینه بوده است ممکن است با زوال آن روش و تبدیل آن به روش اجتماعی دیگر حکم تغییر کند.

آنجا چنانکه قبلاً اشاره شد حتی اختیار حکم هم به دست حُکام است حُکام هر چه را مصلحت جامعه به بینند. می‌تواند به آن حکم کنند و همان، حکم شرعی و حکم شارع است، پس حاکم هر چه را مطابق مصلحت عموم باشد یا مفسده عمومی در آن باشد، می‌تواند واجب یا تحریم کند. یعنی، ممکن است یک وقت مصلحت عمومی اقتضا کند که این عمل خاص انجام شود و یک وقت اقتضا کند که انجام نشود، بنابراین حکم یک موضوع خاص با تمام شرایط و ضوابط ممکن است تغییر کند.

شارع مقدس در این باب تنها به ذکر ضوابط کلی قناعت کرده است از قبیل رعایت عدل، داد، حقوق رعیت، مواضع و مسائل دیگری از این قبیل، شکل خاصی از حکومت را پیشنهاد نکرده است معلوم می‌شود که به هر نوع از حکومت یعنی جعل و اجراء احکام عمومی اجازه داده است در صورتی که ضوابط کلی شرع مقدس را تأمین نماید. بنابراین جعل و اجراء احکام عمومی (حکومتی) که وظیفه حاکمان است مشروط به سه امر است: ۱- رعایت مصالح عامه ۲- تأمین قسط و عدل ۳- عدم تضییع اهداف و مقاصد شرع مقدس. بدیهی است این نوع احکام در شرائط و ازمینه بلکه امکان مختلف متغیر می‌شود.

البته احکام ذوجنبتین هم داریم بعضی احکام خصوصی محض است، مثل قسمت مهم احکام عبادات، اطعمه، اشربه، بعضی از آنها عمومی محض است. مثل همان کشورداری و مسائلی که مربوط به کشورداری است، بعضی هم هر دو جنبه را دارا است، مانند عقود و ایقاعات.

تأثیر زمان و مکان در علوم و فقه
تأثیر زمان و مکان در بسیاری از علوم مشهود و ملموس است، این معنی در علوم تجربی و انسانی آن قدر روشن است که برای بیان آن نیازی به توضیح و تمثیل نیست. حتی زمان و مکان در برخی از علوم الهی غیرنظری، مانند عرفان عملی نقش به سزایی دارد. صائن الدین علی بن ترکه در کتاب معروف خود چنین می‌گوید: «ولا شک ان المناسبات الزمانیه من ام المناسبات» (ابن ترکه، تمهدالوقوع - فصل پنجاه و هفتم)

پیداست که مناسبات زمانی و شرایط مخصوص زمانی و مکانی، اثر بسیار مهمی در مسائل عرفانی و واردات قلبی و حالات و مکاشفات

اعطای خمس به مجتهدان دیگر را منوط به اذن یا احراز وحدت شیوه مصرف مرجع و مجتهد دیگر می‌دانند.

در مجموع می‌توان نکته‌های مهم دیدگاه امام راحل را در مدارک خمس به گونه‌ی زیر ا ارائه کرد:

الف: خمس، برای مصارف حکومت اسلامی قرار داده شده است و در نتیجه ولی امر بر تصرف در آن براساس مصالح حکومت و مردم مسلمان ولایت دارد.

ب: نمی‌توان مصرف نیمی از خمس را لزوماً درباره‌ی سادات فقیر و یتیم و در راه مانده دانست؛ چرا که به روشنی این مقدار خمس نسبت به مصرف مذکور به مراتب بیشتر است [توجه به شرایط زمان و مکان].

ج: لازمه‌ی دیدگاه حکومتی دانستن خمس و ثابت ندانستن همه سهم سادات (نصف خمس) برای سادات فقیر و ... جمع متمرکز خمس توسط حاکم و صرف آن در مصارف مقرر از سوی ولی امر و حاکم اسلامی است.

یا در تحلیل خمس در شرایط دیگر زمان ائمه می‌توان گفت وجود مصالح حکومتی در دوران ائمه (ع) زمینه‌ی اجرای احکام حکومتی مخالف احکام اولیه را برمی‌تافته است اما فقهایی که به این نکته توجه نداشته‌اند، غالباً احکام حکومتی را به عنوان حکم اولی شرعی پنداشته‌اند. این در حالی است که در دیدگاه بعضی دیگر، مواردی چون حصر حکم احتکار در موارد منصوصه و حصر موارد زکات و یا حتی مقدار آن ممکن است از احکام حکومتی باشد) (۱۸).

از آنچه ذکر شد، به دست می‌آید که تصمیم‌گیریهای معصومین - علیهم السلام - احکام شرعی (اعم از اصلی و فرعی) نبوده است و چه بسا احکام حکومتی آنان با احکام شرعی فرعی در تعارض بوده و مقدم می‌گردیده است.

حتی گذشت زمان، این اندیشه‌ی فردگرایی دین و عدم توجه و احساس نیاز به حکومت و یا شعبه‌هایی از آن در عصر غیبت را تا حدودی به اعتدال کشانید، به طوری که امروز شاید هیچ فقیهی به خود اجازه‌ی تصور دیدگاه منقول از شیخ طوسی و یا دیدگاه بعضی دیگر را - که خمس را دست به دست می‌کردند تا شاید یکی از دستهای گیرنده، دست امام زمان (ع) باشد - ندهد؛ بلکه اگر فرض کنیم در باب مصرف خمس نیز بعضی از فقها نتوانند از عموماً ولایت فقیه استفاده کنند، لاقلاً از باب قدر متیقن، صرف خمس در جهت تقویت بنیه‌ی دین به دست فقیه اعلم را ضروری می‌دانند (۱۹) به بعد.

وقتی که ثابت شد متولی خمس، ولی فقیه و رئیس دولت اسلامی است، لازمه‌ی آن این است که کل خمس اعم از سهم سادات و سهم امام باید در اختیار او گذاشته شود تا او هر گونه صلاح می‌داند به مصرف برساند؛ و طبعاً مصالح لحاظ شده، مصالح اجرایی خواهد بود، و خمس طبق احکام حکومتی ولی فقیه به مصرف خواهد رسید.

سیره‌ی پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) که خمس می‌گرفته‌اند، نیز بر همان منوال ذکر شد، مستقر بود؛ زیرا آنان تمام خمس را می‌گرفتند و خود طبق نظر خود به مصرف می‌رسانیدند.

حضرت امام (ره) در دوران قبل از پیروزی انقلاب که حکومت اسلامی محقق نگردیده بود، مرجع افتا و تقلید را صاحب اختیار در زمینه خمس می‌دانست اما آیا پس از تشکیل حکومت اسلامی و بوجود آمدن شرائط جدید و باز بودن دست یک فقیه جامع شرایط، باز هم دیدگاه ایشان ارائه خمس به مراجع مختلف فتوا است؟ یا این موضوع حکم جدیدی می‌طلبد؟ امام خمس را حق وحدانی و حق حاکم می‌داند و می‌فرماید:

«و قد جعل الخمس لاجل نواب الحكومة الإسلامية، لا لاجل سد حاجات السادة حسب، اذ نصف خمس سوق كبير من اسواق المسلمين كاف لذلك، بل هو لجميع نواب الوالی، و منها سد حاجة السادة» (۷) دربرخی روایت، اساساً خمس را در وجه امارت (حکومت) و ولایت قرار داده است مثلاً در روایت ابوعلی حسین بن راشد، از امام علی الهادی (ع) که می‌فرماید: «ما كان لابي بسبب الامامة فهو لي (۱۷) در این روایت، خمس کاملاً سهم امام شمرده شده است که در جهت ولایت و امامت مصرف می‌گردد

پس از دیدگاه امام خمینی بعد از تشکیل حکومت خمس و مصرف آن با شرائط جدید حکم دیگری می‌طلبد در دیدگاه جدید ایشان دو نکته وجود دارد.

نکته اول آن که: تقسیم خمس به دو قسمت مساوی سهم امام و سهم سادات حکم الزامی نیست بلکه حاکم و ولی امر مسلمین با صلاحدید می‌تواند از سهم امام به سهم سادات بیفزاید و نیاز سادات مومن را برطرف گرداند و یا از سهم سادات در مصارف سهم امام مصرف کند

خمس در حقیقت برای برطرف کردن حاجت دولت اسلامی قرار داده شده است و گر نه نصف خمس یک بازار بزرگ از بازارهای مسلمین برای رفع احتیاج آنها [فقرا سادات] کافی بود»

البته این گونه برداشت در مورد سهم سادات توجه ایشان به جامعیت دین و اعتقاد به وجود نظام سیاسی و برنامه‌ی حکومتی در میان دستورات دینی، این گونه دیدگاه حکومتی را ارائه می‌دهد.

حضرت امام (ره) بر این باور است که: هر کس در معنای آیه خمس و روایات آن تدبیر کند، این نکته بر او روشن می‌شود که خمس به همه سهمایش مربوط به بیت المال است و حاکم، ولایت تصرف در آن را دارد، و ولایت او بر حسب مصالح عامه مسلمین معتبر است و بر اوست که معیشت طوایف سه گانه‌ی او را که ارتزاق آنها به عهده بیت المال است، بر طبق آنچه صلاح می‌داند به عهده گیرد»

براین اساس حضرت امام (ره) در پرداخت خمس استیذان از حاکم شرع را لازم می‌داند و بر خلاف غالب فقیهان معاصر در سهم سادات اجازه‌ی پرداخت مستقیم مکلف به مستحق را نمی‌دهند.

در سهم امام نیز گرچه در میان فقهای دیگر نیز اختلاف وجود دارد که آیا تنها مجتهد اعلم و مرجع تقلید باید در آن تصرف کند و یا هر مجتهدی - گرچه غیر اعلم و غیر مرجع باشد - این اجازه تصرف را دارد، اما اختلاف مدرک آنها در ناحیه فهم قدر متیقن از جواز تصرف است، امام خمینی (ره) در این جا نیز با توجه به بنای اساسی که در فلسفه خمس گذارده‌اند، به روشنی به وحدت مرکز جمع خمس، نزد ولی امر که مجتهد جامع شرایط است نظر می‌دهند و

نتیجه گیری

از این مقاله چند نتیجه گرفته می شود

۱- زمان و مکان به معنای مجموعه شرایط حاصل از روابط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی، یعنی شرایطی را که از مجموعه تفکرات و اعمال انسان و تغییرات و وقایع تاریخی و طبیعی تحت تاثیر روابط سیاسی (داخلی و خارجی) و اجتماعی و اقتصادی، حاصل می شود و بر موضوعات و مصادیق و استنباط احکام فقهی تاثیر می گذارد

۲- احکام شرعی در یک تقسیم بندی کلی می توانند به سه دسته: «احکام اولیه»

و «احکام ثانویه» و «احکام حکومتی» تقسیم گردند. البته بعضی از فقیهان احکام حکومتی را از مصادیق حکم ثانوی و یا محدود به آن و بعضی آن را از مصادیق احکام اولی دانسته اند. به نظر می رسد گرچه حکم حکومتی، دارای وجوه اشتراکی با احکام اولیه و ثانویه است، اما به جهت داشتن بعضی از وجوه افتراق، از آن به قسم سوم از احکام تعبیر کنیم، درست تر است.

وجه تمایز حکم حکومتی با احکام اولی در آن است که موضوع حکم اولی، بما هو هو، دارای حکم شرعی ثابت و دایمی است که در صورت نبودن معارض و تحقق موضوع، حکم آن دایمی است. در نتیجه، زمان و مکان به مفهوم کنایی خود در این احکام اولی اثری ندارد. در مقابل، احکام حکومتی به احکامی اطلاق می شود که حاکم شرع (پیامبر، امام و یا ولی فقیه) بر اساس مصالح عموم جامعه در عرصه های مختلف اجتماعی جعل می کند. این احکام گرچه مقید به ضرورت و اضطرار نیستند، اما مقید به مصلحت اند؛ لذا هنگام مزاحمت با حکم اولی، در صورت وجود مصلحت بر احکام اولی مقدمند.

۳- تاثیر زمان و مکان در بسیاری از علوم مشهود و ملموس است، این معنی در علوم تجربی و انسانی آن قدر روشن است که برای بیان آن نیازی به توضیح و تمثیل نیست. حتی زمان و مکان در برخی از علوم الهی غیرنظری، مانند عرفان عملی نقش به سزایی دارد. صائن الدین علی بن ترکه در کتاب معروف خود چنین می گوید: «ولا شک ان المناسبات الزمانیه من امّ المناسبات» (ابن ترکه، تمهیدالقولود - فصل پنجاه و هفتم)

پیداست که مناسبات زمانی و شرایط مخصوص زمانی و مکانی، اثر بسیار مهمی در مسائل عرفانی و واردات قلبی و حالات و مکاشفات معنوی یک عارف دارد. لازم بذکر است که عنصر زمان و مکان در علوم نظری حقیقی، راهی ندارد. مثلاً در علوم فلسفه و ریاضیات که مبتنی بر قواعد عقلی هستند، تغییر شرایط و خصوصیات در ظرف زمان و مکان رخ می دهد تأثیری ندارد، البته اینکه مرور زمان و مکان سبب پیدایش فرمول های جدید و به دست آوردن راه حل های جدید خواهد شد.

۴- تردیدی نیست که اسلام به صورت یک مکتب اخلاقی، فلسفی و یا اعتقادی محض ظهور نکرد؛ بلکه به عنوان یک آیین جامع - که تمام نیازهای مادی و معنوی در آن پیش بینی شده - پا به عرصه ظهور گذاشت. از سوی دیگر، این مکتب از همان عصر رسول خدا(ص) با تأسیس حکومت همراه بود؛ در نتیجه برای اداره آن نیاز

به یک پشتوانه مالی غنی و منظم داشت که بتواند در سایه تشکیل حکومت اسلامی از بینوایان، بیماران، بی سرپرستان، معلولان و یتیمان جامعه دستگیری نماید و این خلأ اقتصادی را پر کند. خداوند متعال با نزول آیات زکات دست یاری و رحمت بی پایانش را به کمک نبی اکرم(ص) فرستاد و با واجب ساختن زکات، این نقص و کاستی را برطرف کرد. این فریضه الهی از مالیاتهایی است که در حقیقت جزو اموال عمومی جامعه اسلامی محسوب می شود و نیز به غیر بنی هاشم «سادات» اختصاص دارد و لذا مصارف آن عموماً موارد یاد شده است. ولی امام به عنوان رئیس حکومت نیز هزینه هایی دارد که باید تأمین شود. او برای پیشبرد نظام اسلامی و اداره جامعه، به بودجه فراوانی نیاز دارد. فریضه خمس برای تأمین این منظور، بر متمکنان جامعه واجب گردیده است. لذا در روایت از خمس به عنوان «وجه الاماره» یاد شده است.

۵- یکی از مباحث خمس، چگونگی حکم خمس در زمان غیبت امام معصوم است. نظر مشهور فقهای معاصر آن است که سهم امام در زمان غیبت در مواردی مصرف شود که مرجع تقلید علم یا ظن معتبر دارد که اگر امام معصوم ظاهر باشد، آن را در همان موارد به کار می برد، همچون تقویت اسلام و حوزه های علمیه، تبلیغ اسلام، بنای مساجد در موارد لزوم، امور کتابخانه ها و مدارس، رسیدگی به مستمندان و به عبارتی همه امور خیر به ترتیب اولویت و اهمیت دینی آنها است البته در گذشته، اقوال غیر مشهوری نیز درباره خمس وجود داشته است؛ مانند ساقط شدن خمس، یا وجوب کنار گذاشتن سهم امام یا وجوب دفن خمس از آن اقوال است درباره سهم سادات در زمان غیبت نیز مشهور فقها قائل به وجوب پرداخت سهم آنان هستند؛ اما تعداد کمی نیز قائل به مباح بودن خمس برای شیعیان و ساقط شدن وجوب آن هستند. این قول را در اصطلاح قول به تحلیل خمس می نامند. از دیگر آراء غیر مشهور فقهی شیعه درباره سهم سادات در زمان غیبت می توان به قول به وجوب دفن خمس تا زمان ظهور امام(ع) و نیز وجوب حفظ خمس و وصیت کردن به نگهداری آن اشاره کرد

References

1. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram, Language of the Arabs, Beirut, Dar al-Fikr, 1996
2. Farahidi, Khalil Ibn Ahmad, Kitab al-Ain, Dar al-Hijra Institute, Qom, 1409
3. Al-Najafi, Mohammad Hassan, Jawaher Al-Kalam, Tehran, Islamic Library The
4. Milani, Mohammad Hadi, Lectures on Imami jurisprudence, the book of Khums. Suspension and collection of Fazel Hosseini Milani, Holy Mashhad, 1400 AH

5. Al-Boroujerdi, Mohammad Taqi, Al-Urwa Documentary, Ayatollah Khomei's Discussions, Qom-Lotfi. The
6. Zanjani, Fayyazuddin; Al-Khums al-Masmi book in the memory of the Imam, Ferdowsi Printing House,
7. Imam Khomeini, Ruhollah, Kitab al-Bayy, Qom, Ismailian Publications. The
8. Montazeri, Hossein Ali, Book of Five, Purple of Knowledge, Qom, 2007
9. Copleston, Frederick, History of Greek and Roman Philosophy, translated by Mojtaba, Soroush Publications, Second Edition, 1989
10. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein, The End of Wisdom, Al-Zahra Publications, 1984
11. Shabestari, Mohammad, Interview with Mojtabeh Shabestari, Journal of Criticism and Opinion, First Year, First Issue, Winter 1994,
12. Imam Khomeini, Sahifa Noor, Publications of the Cultural Documents Organization of the Islamic Revolution, 1990
13. Motahari, Morteza, Islam and the requirements of time, Sadra, 2001
14. Imam Khomeini, Ruhollah, Sahifa Imam, 22 volumes, Tehran, Imam Khomeini Publishing House
15. Feyz Kashani, Mohsen, Al-Wafi, Isfahan, Amir al-Momenan School 1406 AH,
16. Mofid, Mohammad, Al-Muqna'a, Qom, 1410 AH
17. Free agent, Hassan, Shiite means, Beirut, Darahiyah Al-Tarath Al-Arabi. The
18. Montazeri - Hossein Ali Studies in the Province of Jurisprudence and Jurisprudence of the Islamic State, Qom, Islamic Media School. 1408
19. Khomei, Abu al-Qassem, Kitab al-Taqrirat al-Ayatollah Khomei discussion, Mostafavi Publications, Qom, 1989